

## مدیریت اطلاعات دادرسی با نگرشی بر تحلیل اقتصادی

خسرو مبینی مجد<sup>۱</sup> بهنام حبیبی درگاه<sup>۲</sup>✉

## چکیده:

**زمینه و هدف:** مدیریت اطلاعات دادرسی با نگرش اقتصادی به دنبال درک بهتر دعوا به مثابه پدیده‌ای حقوقی-اقتصادی از منظر اداره رفتار بازیگران در دادرسی است. روند ارزیابی تحقق کارایی در نظام قضایی و به طور اخص در فرآیند مدیریت دعوا و دادرسی زمانی موثر است که بتوان الگوی مناسبی را مورد شناسایی و بررسی قرار داد، از جمله این الگوها مدیریت اطلاعات دادرسی است. لذا این سوال مطرح است که مدیریت اطلاعات دادرسی با نگرش اقتصادی چگونه می‌تواند به کارایی نظام قضایی کمک نماید؟

**روش تحقیق:** باتوجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** بر این اساس ضمن بررسی نقش اصحاب دعوا و دادرسی در مدیریت اطلاعات به منظور به دست دادن تحلیل حقوقی مناسب و تاثیر آن بر فرآیند دادرسی، به نقش مدیریت دعوا و دادرسی با محوریت اطلاعات توجه می‌گردد که می‌تواند نقش بسزایی در رفتار بازیگران دادرسی؛ یعنی اصحاب دعوا و دادرسی داشته باشد و در نهایت منجر به دادرسی منصفانه و صدور رأی عادلانه گردد.

**واژگان کلیدی:** اطلاعات دادرسی، تحلیل اقتصادی، مدیریت دعوا، دادرسی مدنی، اصحاب دعوا.

\* استاندارد APA: مبینی مجد، خسرو و حبیبی درگاه، بهنام (۱۴۰۰). مدیریت اطلاعات دادرسی با نگرشی بر تحلیل اقتصادی. تحقیقات حقوقی آزاد. ۱۴(۵۲): ۱۴۴-۱۲۷. قابل بازیابی از: [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_684960.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_684960.html)

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه:

\*\* استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

## مقدمه

اطلاعات دادرسی مجموعه‌ای از داده‌های زمینه‌ای برای رسیدگی به دعاوی و اطلاعات ویژه هر دعوا محسوب می‌گردد. اطلاعات زمینه‌ای دربردارنده داده‌های قانونی، قضایی و سازمانی همچون بخشنامه‌ها، مقررات و تولیدات در ساختار قضایی می‌گردد. لکن آنچه که اهمیت دارد تمرکز بر اطلاعات با ویژگی‌های قابل استناد، صحیح و معتبر است. پر واضح است که اطلاعات قضایی در صورت تقارن و کامل بودن موجب تصمیم‌گیری واقعی خواهد شد. رویکرد اقتصادی به اطلاعات نیز مبنای توسعه قضایی و تبعاً پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌نماید. تبادل اطلاعات صحیح دارای اهمیت فراوان است.

از طرف دیگر نقش بازیگران دادرسی در جمع‌آوری اطلاعات اعم از اطلاعات حکمی و قانونی حایز اهمیت است. طرفین دعوا در جمع‌آوری و ارایه دلایل متضمن اطلاعات و دادرسی در ارزیابی اطلاعات به نقش آفرینی پرداخته و از سایر ظرفیت‌های درون و برون سازمان قضاوتی نیز بهره می‌گیرد. همچنین کارشناسان رسمی دادگستری در ارایه نظریه‌ها و اطلاعات فنی کمک‌شایان و قابل توجه به سیستم عدالت مدنی نموده و وکلای دادگستری نیز در پیدا کردن قوانین معتبر و تکیه بر اطلاعات موضوعی هر پرونده، تاثیر مستقیم بر نتیجه دعوا دارند.

به هر اندازه اطلاعات کامل، متقارن، در دسترس و به روز باشد از موجبات صدور تصمیمات واقعی، قابل اتکاء و کارآ خواهد شد. اثر چنین اطلاعاتی نیز پذیرش نسبی رأی، کنترل فراوانی دعاوی، مطلوبیت حداکثری و افزایش حد عقلانیت دادرسی است. از همین روی در نوشتار کنونی تلاش شده به منظور بررسی مدیریت اطلاعات دادرسی به تحلیل مفهوم دادرسی، مدیریت، کارآیی، اطلاعات و ویژگی‌های منحصر بفرد آن برای ارتقای کیفیت خدمات قضایی و نظام رسیدگی پرداخته شود.

## مبانی نظری و پیشینه

### ۱. مفهوم دادرسی مدنی

دادرسی به معنای عام رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیم‌های دادگاه‌ها است و در فقه به آن قضاء می‌گویند. دادرسی به معنای خاص، مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه‌حل قضایی به کار می‌رود، مانند مجموعه مقرراتی که برای أخذ یک تصمیم در یک دعوی معین به کار برده می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۷۳). مقصود از دادرسی مدنی<sup>۱</sup> مفهومی است که در برابر دادرسی غیر مدنی نظیر دادرسی کیفری قرار می‌گیرد.

بنابراین «روشی که امکان و نحوه مراجعه اشخاص به مراجعی خاص را تعیین تا مشکل حقوقی خود را جهت به دست آوردن راه حلی حقوقی مطرح سازند» آیین دادرسی مدنی نامیده می‌شود (نهرینی، ۱۳۹۶: ۲۴) همچنین دادرسی، ناظر بر رسیدگی به دعوا و یا ادعا و تحقیق و بررسی درباره آن به منظور خاتمه دادن به آن است. لازم به ذکر است که پسوند مدنی در واقع وصف نوع دادرسی و تمایز آن از دادرسی کیفری و غیر آن است.

از همان ابتدای دادخواهی که خواهان به تنظیم دادخواست می‌پردازد تا انتهای آن، زمانی که دادرس رأی خویش را انشا می‌کند طرفین دعوا و دادرس در هیچ مقطعی نمی‌توانند خود را از تفکیک جهات موضوعی و جهات حکمی بی‌نیاز بدانند. از سوی دیگر به دلیل روشن نبودن مفهوم امور حکمی و امور موضوعی دعوا و ناتوانی محاکم از تفکیک صحیح آنها از یکدیگر، نظام قضایی ما با مشکلات عدیده از قبیل واگذاری قضاوت به کارشناس، عدم نظارت صحیح دیوان عالی کشور بر اجرای قانون، دخالت دادرس در امور موضوعی دعوا، تغییر سبب دعوا و... روبرو است (غمامی و اشرفی، ۱۳۸۹: ۲۷۵). در توصیف این امر باید گفت «امر حکمی یا قانونی که بدان حکم یا قانون نیز می‌گویند به همه قوانین، مقررات و قواعد و اصول حقوقی گفته می‌شود که وضعیت یک واقعه یا امر موضوعی مورد اختلاف را معین می‌کنند» (محسنی، ۱۳۹۷: ۱۹۹). منظور از امور موضوعی در دادرسی، ظرفیت‌های حقوقی است که توسط هریک از اصحاب دعوا در دادخواست و دفاعیات برای تقویت خواسته و ادعا، مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از امور موضوعی بستگی به رابطه حقوقی طرفین اختلاف دارد. با توجه به وسعت موضوعات حقوقی از یک طرف و تنوع دعاوی از طرف دیگر و همچنین عدم پیش‌بینی این امور توسط مقنن، دادرسی مدنی در این رابطه با ابهاماتی مواجه است. در واقع، اگر مشکل حقوقی، به مفهوم اعم، مدنی باشد با آیین دادرسی مدنی و اگر کیفری باشد با آیین دادرسی کیفری و اگر اداری باشد با آیین دادرسی اداری بررسی خواهد شد (شمس، ۱۳۸۴: ۱۳). برخی به تناسب محتوای دادرسی، آیین دادرسی مدنی را، مجموعه مقررات و تشریفات می‌دانند که باید از طرف ارباب رجوع (اصحاب دعوا) در مقام مراجعه به دادگاه‌ها برای دادخواهی و همچنین از طرف دادگاه‌ها در رسیدگی به دعوا رعایت شوند (متین‌دفتری، ۱۳۹۸: ۱۵). در واقع، به وسیله تشریفات آیین دادرسی افراد خواهند توانست حقوق خود را احقاق نمایند. آیین دادرسی مدنی، دادگاه و حق مراجعه به آن برای رفع اختلافات، صلاحیت رسیدگی محاکم، روند صدور حکم و نحوه اجرای احکام را مورد پیش‌بینی قرار داده است تا اصحاب دعوا بتوانند به سهولت به حق خود برسند. طبق مواد ۱ تا ۹ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ مفهوم آیین دادرسی مدنی عبارت است از مجموعه اصول و مقرراتی که طریقه رسیدگی محاکم و مراجع رسیدگی‌کننده را به اختلافات و امور قضایی مشخص می‌نماید. ماده ۱ این قانون بیان می‌دارد: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام

رسیدگی به امور حسبی و همه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن هستند به کار می‌رود<sup>۱</sup>. مطابق این تعریف، منظور از آیین دادرسی مدنی، اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حقوقی توسط مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن هستند، به کار می‌رود.

علاوه بر واژگان قانون و مقررات، واژه «اصول» نیز در تعریف قانونی آیین دادرسی مدنی ذکر شده است. همچنین قانونگذار در ماده ۱۸ قانون شوراها<sup>۲</sup> حل اختلاف اصلاحی ۱۳۹۴ از دو عنوان اصول و قواعد استفاده نموده است و جالب اینکه در ماده ۱۹ نیز از عنوان تشریفات دادرسی یاد نموده که جمع این دو ماده مثبت وجود اصول، قواعد و تشریفات به عنوان سه محتوای آیین دادرسی مدنی بوده و مناسب است که در ماده یک ق.آ.د.م، این سه عنوان در کنار هم به عنوان محتوای آیین دادرسی مدنی در تعریف آن قید گردند (حاجی محمدی، ۱۳۹۷: ۳۴). از جمله مصادیق آن، اصل ترافع<sup>۱</sup>، اصل بی طرفی دادرس<sup>۲</sup> و اصل علنی بودن دادگاه<sup>۳</sup> است.

## ۲. مفهوم مدیریت دعوا و دادرسی

مدیر در لغت به معنی گرداننده، اداره کننده و کسی که کاری را اداره کند و مدیریت نیز به معنی هماهنگ کردن آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۲۱). دعوا نیز در لغت به معنی ادعا کردن، نزاع و دادخواهی آمده است. عنوان مدیریت دعوا، در برگیرنده تمام موضوعاتی است که از شروع اختلاف و ایجاد آن، تا خاتمه موضوع دعوا و اختلاف، در فرآیند دادرسی مدنی قابل تصور است. کارآمدی و کارایی در آن، به عنوان ارزیابی و مدیریت فرآیند مذکور مورد توجه است. البته با توجه به کلمه «دادرسی» در عنوان پژوهش، مدیریت دعوا در مفهوم اعم آن؛ یعنی اختلافی که در مرجع صالح طرح شده و در معرض رسیدگی است، نیز مد نظر است. طرفین اختلاف، موضوع مورد اختلاف، ادله و وسایل اثبات کننده حق، بهره مندی از اطلاعات و ارتباط آنها با دادرس، که دادرسی را تشکیل می‌دهد، از آغاز تا پایان دادرسی، داخل در محدوده وسیع مدیریت کارایی دعوا و اداره جریان دادرسی هستند.

از زمانی ارایه دلیل تا زمان احراز واقعه نزد دادرس، مراحل وجود دارد که همه این مراحل تحت مدیریت دادرس قرار دارد (مبینی مجد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۱). در واقع زمانی که دعوا در دادگاه مطرح می‌شود، علاوه بر عناصر محق بودن، توانمندی طرفین یا وکلای آنان در اثبات و دفاع، یکی از مهمترین مؤلفه‌هایی که تعیین سرنوشت دعوی به آن بستگی دارد، دلایل اثبات

1 contradictory

2 The principle of impartiality of the judge

3 The principle of publicity of the court

دعوی و مدیریت آن است. بدین صورت هر کدام از طرفین دعوا که دلایل و مدارک معتبرتری برای اثبات ادعای خود داشته باشد، اطلاعات مربوط به دعوا به نحو صحیح مدیریت نماید، اصولاً در دعوی موفق‌تر عمل خواهند نمود. از طرفی در موارد فراوانی مشخص است که فردی که حقیقتاً ذی‌حق اصلی است، به دلیل عدم آرایه شواهد و مدارک مناسب و کافی، در دادگاه محکوم شده و به حق خود نرسیده است. بنابراین، مهمترین عنصر موفقیت در پرونده‌ها، تعیین استراتژی و مدیریت کارآیی دعوا است.

### ۳- مفهوم کارآیی

کارآیی<sup>۱</sup> در لغت همان کارآمدی و به معنی آنکه کارها را به نیکویی انجام دهد و آنکه کار را داند (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۲۱۰) و سودمندی، آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۳۵) «ژرار کورنو» در کتاب «لغت نامه قضایی»، کارآمدی را وجه مشخصه قاعده حقوقی یا وضعیت حقوقی می‌داند که موجب تولید ارزش و عقلانیت می‌شود (حیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۴۹). در خصوص معنی کارآیی، نظریات مختلفی مبنی بر «به حداکثر رساندن مطلوبیت» و «کارآیی به عنوان راهبرد و خط مشی» مطرح شده است. به عنوان مثال راهبرد و برنامه دولت برای کاهش تورم در صورتی کارآ است که با کمترین هزینه، تورم را کاهش دهد (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۲).

در رویکرد اقتصادی، «کارآیی» مفهومی بنیادی است که اساس بررسی و تحلیل‌های اقتصادی بر پایه آن استوار است. تحلیل اقتصادی حقوق، استفاده از تکنیک‌ها، تحلیل‌ها و ارزش‌های اقتصادی است. برای توضیح روابط حقوقی و شناخت و معرفی قواعد حقوقی مفید و کارآمد که می‌تواند در تعیین و اعمال قواعد حقوقی برای قانون‌گذار و قضات نقش راهنما را بازی کند، تمامی این تحلیل و بررسی‌های اقتصادی با تکیه بر عنصر کارآیی صورت می‌پذیرد. کارآیی یعنی از امکانات موجود به نحوی استفاده شود که بالاترین میزان مطلوب حاصل شود (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۲).

حقوق مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که روابط بین اشخاص حقیقی و حقوقی را تنظیم می‌کند. توجه به کارآیی به عنوان یک هدف در حقوق مورد توجه بوده و از مقبولیت کلی برخوردار است. تحلیل کارآیی در حقوق به نگاه حقوقی چارچوب خاصی می‌دهد و از این راه موجب تغییر در اهداف حقوقی می‌شود. در تحلیل اقتصادی حقوق، کارآیی اقتصادی قواعد حقوقی، بیشتر از تأمین عدالت مطرح است. تحلیل اقتصادی حقوق، علمی است که در آن تئوری اقتصادی برای تحلیل، شکل‌گیری، ساختار و آثار نهادهای حقوقی اعمال می‌شود. در نظریه اقتصادی حقوق، افزایش کارآیی اقتصادی و حداکثر کردن ثروت به عنوان مبنای ارزیابی هدف حقوقی معرفی شده است (بابایی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۱).

1 Efficiency.

«کارآ بودن همچنین به معنای مفید فایده بودن قواعد و مقررات به کار رفته در دادرسی برای صدور رأی در قضیه متنازع فیه است، به نحوی که بتوان دادرسی و آیین و رأی حاصل از آن را از منظر زمان و هزینه معقول و متعارف دانست» (محسنی، ۱۳۹۷: ۲۶۷) برخی، کارآمدی اقتصادی را قائم به مناسب بودن و مفید بودن قوانین، به ویژه قوانین اساسی و بنیادین می‌دانند (حبیبی در گاه، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین می‌توان کارآیی را هدف مشترک اقتصاد و حقوق دانست.

تحلیل توصیفی حقوق و اقتصاد که در آن قواعد حقوقی با مبنای کارآیی ارزیابی می‌شوند و میزان کارآیی و نقاط قوت و ضعف آنها از این باب سنجیده شود، برای نظام حقوقی ایران بسیار مفید خواهد بود. علمی که هدف اصلی آن نیل به کارآیی حقوق است، می‌تواند با استقبال بسیاری در جامعه حقوقی ایران مواجه شود. موفقیت حقوق و اقتصاد به خصوص در زمینه‌هایی از حقوق آشکار خواهد شد که کارآیی اقتصادی منطق اصلی آنها را تشکیل دهد (بابایی، ۱۳۸۵: ۶۳).

کوتر و یولن (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «حقوق و اقتصاد» به بررسی مفهوم تحلیل اقتصادی حقوق و تقدم کارایی بر توزیع در تحلیل حقوق خصوصی و نظریه اقتصادی جریان دادرسی، رسیدگی قضایی و نظریه اقتصادی جرم و مجازات به منظور بررسی کارآیی بازار طرح دعوی و همچنین تأثیرات کارایی در بحث ایجاد انگیزه قضایی و هزینه‌های اجتماعی فرآیند دادرسی پرداخته شده است.

مبینی مجد و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تاریخی مدیریت دعوا توسط قاضی و قلمرو دخالت آن در دادرسی مدنی ایران» به این امر پرداخته است که تحولات تاریخی مدیریت دعوی در نظام های حقوقی پیشرفته حاکی از این است که قسمت اعظم تلاش‌ها در عرصه دادرسی، آفرینش نظامی عادلانه و حقیقت مدار بوده است. رسیدن به این مطلوب، نیازمند طراحی شیوه‌ای دقیق و جامع از فرآیند دادرسی است که در آن هریک از بازیگران دعوا، یعنی دادرس و اصحاب دعوا از امکاناتی برابر برای رسیدن به رأی برخوردارند. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از این است که با عنایت به تحولات مثبت و سازنده‌ای که در زمینه مدیریت دعوا حادث شده است که همکاری توأم با حسن نیت دادرس و اصحاب دعوا را رقم زده است. مشاهده قوانین، اصول حاکم بر فرآیند دادرسی و دکترین حقوقی نشان می‌دهد که در حوزه امور موضوعی و امور حکمی، توزیع نقش‌ها تا حد زیادی متعادل است و این تعادل نشان از مدیریت صحیح دعوا توسط قضات و طرفین دارد. در دعوای مدنی هرچند برتری‌هایی وجود دارد و این برتری در زمینه امور موضوعی متعلق به اصحاب دعوا و در زمینه امور حکمی متعلق به دادرس است، اما این تفوق نسبی سبب نمی‌شود که نقش دادرس در اداره امور موضوعی و نقش اصحاب دعوا در اداره امور حکمی نقشی منفعل و کم‌اهمیت باشد. در واقع مدیریت دعوا جلوه‌ای از بررسی‌های تحلیلی توأم

با مسائل اقتصادی مرتبط بوده و به دنبال درک بهتر از دعوا به مثابه پدیده‌ای حقوقی اقتصادی از منظر اداره رفتار متقابل بازیگران دادرسی است.

قاسمی حامد (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «حقوق اقتصادی» به این موضوع پرداخته است که حقوق اقتصادی، بر مبنای نیازهای جدید و با توجه به کاربرد قواعد حقوقی شکل گرفته است. این رشته حقوقی از مجموعه قواعد و عرف‌های حقوقی، ساختارها، تشریفات، نهادها و روش‌هایی تشکیل یافته که پاسخگوی افزایش قابل ملاحظه نفوذ سیستم اقتصادی در جوامع امروزی است. حقوق اقتصادی، با به کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه قانونمند شدن موضوعات مهم اقتصادی نظیر قیمت کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی، ارز، دستمزد، صادرات و واردات، بانک، بیمه، اوراق بهادار، اعتبار، مالیات‌ها، رقابت، تولید، توزیع، مصرف و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی را فراهم می‌سازد. در این رشته، با دسته‌بندی قواعد حقوقی موجود و بر مبنای کاربرد آنها و همچنین با ایجاد قواعد حقوقی جدید، سعی بر ایجاد نظم، عدالت و تعادل در روابط بین اشخاص حقیقی و حقوقی در عرصه اجتماع می‌شود. با این نگاه، حقوق اقتصادی، قواعدی حقوقی با ماهیت عمومی، خصوصی و حتی کیفری را در اجتماع (اعم از ملی و بین‌المللی) و حوزه‌ای اقتصاد خرد و کلان وضع می‌نماید. حقوق اقتصادی، در بسیاری از موارد آمرانه و مداخله‌جو است. این رشته حقوقی، باتمایل به وضع قواعد آمرانه، با نظم عمومی ارتباطی نزدیک داشته و قواعد آن در بسیاری از موارد دارای اوصاف قواعد حوزه حقوق عمومی است. حقوق اقتصادی، تنظیم‌کننده تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است. حقوق اقتصادی، به کمک دولت (حاکمیت) و به همراه ابتکارات بخش خصوصی با سازمان بخشیدن به جامعه، اداره‌کننده زندگی اقتصادی و به خصوص تولید و گردش ثروت است.

## یافته‌ها

### ۱. مدیریت اطلاعات دعوای مدنی

اطلاعات واژه‌ای ترکیب یافته از کلمه مفرد اطلاع و حروف جمع «الف» و «ت» است. اهل لغت اطلاع را به معنای آگاهی، علم، دانش و افاده آگاهی می‌دانند (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۷۴؛ معین، ۱۳۸۸: ۱۲۱) در حیطه حقوق، اطلاعات هرگونه آگاهی نسبت به قوانین و مقررات هریک از سازمان‌های خصوصی و عمومی ارایه‌دهنده خدمات حقوقی از جمله: قوه قضاییه، کانون‌های وکلای دادگستری، نهادهای زیر مجموعه حوزه قضاوت و همچنین اطلاعات مرتبط با ساختارهای قضایی و مشاورین حقوقی و وکلا در زمان متعارف و مشخص، را شامل می‌شود (حبیبی درگاه، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

تعریفی از واژه اطلاعات در متون قانونی، به نحوی که از جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، دیده نمی‌شود. با این حال، به موجب بند الف از ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، چنین مقرر شده است: «اطلاعات عبارت از هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم افزاری ذخیره و یا به وسیله دیگری ضبط شده باشد». چنان که ملاحظه می‌شود تعریف مزبور ناظر و محدود به ضبط و ذخیره محتوای اسنادی است. در یک مفهوم گسترده، اطلاعات مربوط به دعوا عبارت است از هر گونه اطلاعات راجع به قوانین و مقررات، آرای وحدت رویه، نظریه‌های حقوقی، اسناد، دلایل و همچنین اطلاعات مربوط به موضوع و خواسته دعوا، هویت اشخاص طرف دعوا و پرونده‌های احتمالی مرتبط با آن است.

### ۱-۱. ماهیت اطلاعات دعوا

چنان که پیشتر گفته شد، مدیریت کارآیی اطلاعات حقوقی در مفهوم عام در برگیرنده تمامی اطلاعات راجع به تمامی ارکان، اجزا و زیرمجموعه‌های نظام قضایی است. به عنوان مثال قوانین و مقررات سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات حقوقی از جمله قوه قضاییه، کانون‌های وکلای دادگستری و ... و در عین حال اطلاعات مرتبط با وکلا و مشاورین حقوقی و ساختار قضایی در کنار آنها که شامل اطلاعات شفاهی، الکترونیکی یا مکتوب نیز می‌شود. تدبیر مدیریت در حیطه اطلاعات حقوقی می‌تواند دارای ثمرات مطلوبی باشد که مسیر ناهموار کارآیی در دعاوی مدنی را هموار می‌سازد. از جمله آن می‌توان به تدوین مجموعه اطلاعات عمومی و خصوصی که ناظر بر کلیت عملکرد نهاد قضاء در جامعه است، اشاره نمود. زیرا از جمله وظایف دستگاه قضایی و سایر نهادهای متولی خدمات عمومی ایجاد، نظارت، بروزرسانی و کنترل اطلاعات عمومی قضایی است (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۴۹) در عین حال محتویات مرتبط با اطلاعات دادرسی که مأخوذ از پرونده‌های مطروحه هستند و تمامی اطلاعات پیرامون هویت طرفین دعوا، تنجیز خواسته، توضیحات اصحاب دعوا یا وکلای ایشان و همچنین دلایل به دست آمده و طرق جمع‌آوری آنها و هر آنچه که به طور قانونی مرتبط با ماهیت دعوا است، را در برمی‌گیرد.

همانطور که در اختیار داشتن اطلاعات کامل باعث تسریع دادرسی و کاهش هزینه و افزایش کارآیی می‌شود، در مقابل، اطلاعات ناقص باعث اطاله دادرسی، ابهام در آیین ترافع و تولید هزینه‌های مضاعف برای نظام عدالت مدنی می‌شود. اهمیت در اختیار داشتن اطلاعات کامل چه در مرحله اقامه دعوا و چه در مرحله صدور رای، خطای دادرسی را کاهش خواهد داد (تالی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۳۸). زیرا یکی از مباحث مهم در حوزه عدالت آیینی خطای دادرسی است که یکی از دلایل افزایش آن، اطلاعات ناقص است (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۵۰).

1. Talley



اطلاعات موضوعی و اطلاعات حکمی دارای دو مفهوم متفاوت می‌باشند. اطلاعات موضوعی در مفهوم توصیف مقدماتی دعوا و شرایط آن که با تقدیم دادخواست و ذکر ادله و خواسته دعوا صورت می‌پذیرد، دلالت بر تسلط طرفین بر امور موضوعی دارد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۵۳). در نظام دادرسی ترافعی، بار اثبات امور حکمی و اعمال قانون بر عهده دادرس است. بنابراین مسئولیت یافتن اطلاعات حکمی، ارزیابی آن‌ها به لحاظ ارزش و قدرت اثباتی، تشخیص اعتبار و ارتباط آن‌ها با اطلاعات موضوعی، جزو تکالیف دادرس است (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۱۲). آیین دادرسی مدنی فراملی تکالیف اصحاب دعوا و دادگاه در تعیین عناصر موضوعی و حکمی را مشخص نموده است. بند یک اصل مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه مکلف است برای تعیین مبنای حقوقی تصمیم خود به تمامی موضوعات و عناصر اثباتی مرتبط توجه کند که شامل آن دسته موضوعاتی نیز می‌شود که به استناد قانون خارجی حل و فصل می‌شوند» (غمامی و محسنی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

## ۱-۲. نقش دفاتر خدمات قضایی

دادرسی و رسیدگی به دعاوی و جرایم یکی از ارکان مهم و حاکمیتی در جوامع و شهرهای مرسوم است. به همین لحاظ ارایه این خدمات به صورت الکترونیکی نیز از اهمیت ویژه‌ای در شهر الکترونیکی برخوردار است، شهروندان شهر الکترونیکی انتظار دارند. خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی در اختیارشان قرار گیرد توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است که در راستای تحقق این هدف انجام شده است. همچنین راه اندازی این سیستم موجب افزایش کارایی و بهره‌وری دادگاه در رسیدگی‌های قضایی می‌گردد (مهدی و کریمی، ۱۳۹۴: ۱).

دسترسی به خدمات قضایی الکترونیکی<sup>۱</sup> ناشی از اصل مترقی لزوم کفایت‌پذیر بودن خدمات قضایی است. روپرت جکسون در مقاله نقش فناوری در دادرسی، دسترسی به خدمات قضایی الکترونیکی را زمینه‌ساز دستیابی به فرصت‌های آیینی برابر و روزآمد می‌داند (جکسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۲۱۳). برخی دیگر از پژوهش‌های انجام شده نیز، اطلاع‌رسانی مفید و موثر از مفاد پرونده و فرآیند آن را، مهمترین دست‌آورد خواننده‌اند (جکسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۸۲). در برخی دیگر از متون قانونی نیز آمایش دعاوی مطروحه، انتشار آرای صادره، رصد دعاوی تکراری و جز آن را از نتایج دسترسی شهروندان به خدمات قضایی الکترونیکی تلقی کرده‌اند.<sup>۴</sup> در نهایت می‌توان گفت،

1. Web Services of Justice

2. Jackson

3. Jackson

۴ مقدمه مندرج در متن دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی، حاوی موارد نامبرده است.

مدیریت کارآیی اطلاعات در دعوی مدنی به منظور بکارگیری اصول و ابزارهای مدیریتی مناسب در مسیر دسترسی و ثبت اطلاعات با هدف ساماندهی و در دسترس بودن تمامی اطلاعات ارزشمند در دعوی مطروحه برای دادرس به منظور ارتقای کارآیی و کیفیت دادرسی در چارچوب مناسب که در زمان و مکان مطلوب مورد استفاده قرار گیرند و کمترین هزینه را بر طرفین دعوا و به طریق اولی بر نظام قضایی تحمیل نماید و منجر به بهبود تصمیم‌گیری در دعوی و ارتقای مسیر دسترسی به عدالت و حقوق افراد گردد، بسیار سودمند و حائز اهمیت است. بدیهی است شناخت مهارت‌های مدیریتی کارآ و ابزارهای مناسب همچون فن‌آوری اطلاعات در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، از ضروریات مطلوب مورد نظر؛ یعنی کارآمدی جلسات رسیدگی در دعوی مدنی است، هستند که می‌تواند اعتماد، آرامش، دقت، تسریع در دسترسی به اطلاعات و از لحاظ هزینه مقرون به صرفه بودن اطلاعات مورد نیاز را ایجاد نماید. سرعت در دادرسی به عنوان اهم اهداف مدیریت کارآمد، لازمه تحقق مفهوم دادرسی عادلانه است.

## ۲. جلوه‌های مدیریت اطلاعات دادرسی

ماهیت و ارزش مدیریت کارآیی دعوی مدنی توسط دادرس و در ادامه اصحاب دعوا تحت یک چارچوب کلی مدیریتی تبیین و تعریف می‌شود که در بردارنده نوع اقدام، رفتار و قواعد ناشی از اطلاعات است.

### ۲-۱. مدیریت نوع اقدام

زمانی که در رابطه با موضوع مورد اختلاف، فراوانی اقدام وجود دارد، در اختیار داشتن اطلاعات جامع نسبت به نوع اقدام می‌تواند به انتخاب نوع اقدام کمک نماید. در برخی امور، علاوه بر امکان اقامه دعوی حقوقی، این امکان برای ذی‌نفع وجود دارد تا از طریق مراجع دیگری نظیر ادارات اجرای ثبت، نسبت به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا مانند سند رسمی طلب، چک، قبوض اقساطی، مهریه، تخلیه به دلیل اجور معوقه و قراردادهای بانکی اقدام نماید. درخواست صدور اجرائیه نسبت به تعهدات متعهد از طریق اداره اجرای ثبت، به عنوان یک امتیاز قانونی در موارد مذکور، این امکان را به ذی‌نفع و متعهدله می‌دهد تا نسبت به نوع اقدام قانونی، حق انتخاب داشته باشد. به عنوان مثال در ارتباط با قراردادهای بانکی که به صورت عادی تنظیم می‌شود، بانک می‌تواند نسبت به موضوع قرارداد و عدم ایفای تعهدات قراردادی، از اداره اجرای ثبت، درخواست صدور اجرائیه نماید. علاوه بر آن، این اختیار برای بانک وجود دارد تا با طرح و اقامه دعوی حقوقی از طریق مراجع قضایی نسبت به احقاق حق خود اقدام نماید. بنابراین در اینجا امکان دو نوع اقدام قانونی نسبت به موضوع واحد وجود دارد.

مدیریت نوع اقدام، ناشی از تشخیص کارآیی اقدام مورد نظر است. در فرض امکان اقدام قانونی توسط بانک از طریق اداره اجرای ثبت و یا توسل به مرجع قضایی، تشخیص نوع اقدام، بستگی به ضمانت اجرای اقدام دارد. ضمانت اجرای اقدام از طریق اداره اجرای ثبت و مرجع قضایی شامل توقیف اموال بدهکار یا محکوم علیه، یکسان است. اما هزینه دادرسی طرح دعوی حقوقی سه و نیم درصد است، این در حالی است که در صورت تعلق حق الاجرا، پرداخت نیم عشر بر عهده متعهد است. فراوانی اقدام، غالباً ناشی از قانون است. صرف نظر از امکان اقدامات از طریق مراجع ثبتی و قضایی، در مواردی، فراوانی اقدام، ناشی از این است که رسیدن به حق مورد ادعا، نیازمند طرح دعوی مقدماتی جهت رسیدن به دعوی اصلی است. لذا اقدام منطبق با مقررات قانونی و رویه قضایی به عنوان یک روش کارآ، از تکرارگرایی و طرح دعوی موازی و هدر رفت منابع و هزینه جلوگیری می کند. پیش بینی اموری از قبیل رسیدگی توأمان، طرح خواسته های متعدد مرتبط در یک دادخواست می تواند نمودی از کنترل و مدیریت کارآیی فراوانی دعوی باشد (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۲۶۱).

## ۲-۲. مدیریت رفتار

رفتار پاسخی است در برابر انگیزه بیرونی و واکنشی که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از هر موجود زنده ای رخ می دهد. به تبع با عنایت به قوه ناطقه، این رفتار در انسان پیچیده تر از سایر موجودات است. دلیل این پیچیدگی در فرآیندهای ذهنی وسیع و در هم فرو رفته انسان است که در برابر نیازها و احساس خطرها از خویش بروز داده و بعضاً نیز این قابلیت را دارد که بدون به کار بردن هیچ کلامی و صرفاً با زبان بدن، مفهومی را منتقل کند و این مسأله نشأت گرفته از فرآیندهای طی شده در ذهن او است. از منظر مردم شناسی و جامعه شناسی حقوقی، مهندسی اختلافات جامعه معین بدون شناخت رفتارهای مردمان آن جامعه، از کارآیی و تاثیر مورد انتظار برخوردار نخواهد بود (هولدن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۱).

از منظر اقتصادی پروفیسور «لیویا هالدن» معتقد است که هنر مکتب تحلیل اقتصادی حقوق دادرسی، تغییر فرهنگ دادخواهی دادگاه محور و جلوگیری از تبدیل آن به یک ارزش است. براساس نظر ایشان، رفتار به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار در مدیریت پیشینی دعوا و استفاده از روش های جایگزین حل اختلاف به شمار می آید. البته این به معنای تحدید رفتار به مرحله پیشین دعوا نیست. زیرا تأثیر رفتار علاوه بر مرحله پیشینی، بر مرحله پسینی دعوا و فرآیند دادرسی نیز، امری روشن است (بایش<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۳).

1. Holden  
2. Baish

مدیریت رفتارهایی که در آستانه طرح دعوا و پس از آن از اصحاب دعوا به اشکال مختلف بروز و ظهور پیدا می‌کند، مانند اصرار بر دادخواهی از طریق مراجع قضایی و بی‌توجهی به امر مذاکره و سازش، طرح دعوی ناقص، عدم اعلام صحیح اقامتگاه قانونی خواننده، عدم ارائه دلایل بنحو کامل، اطاله دادرسی و سوء استفاده از طرح دعوی طاری و غیر آن را می‌توان ناشی از نقش رفتار منفی دادرسی دانست که در نقطه مقابل کارآیی قرار داشته و در صورت عدم تعریف مدیریت برای چنین فضایی زمینه اطاله دادرسی و تحمیل هزینه برای دستگاه قضا به جهت ایجاد فرصت‌های مجدد برای بررسی دعوا و وقت‌گیر بودن این قبیل اقدامات، ایجاد خواهد شد. از این رو ترغیب و ترویج فرهنگ مذاکره، سازش، میانجی‌گری و توسعه نهاد داوری و غیر آن، در راستای مقابله با چنین فضایی و در عین حال ارج نهادن به تقدم رفتار غیر قضایی و خصوصی بر رفتار دادگاه‌محور و توسل به مراجع قضایی ضروری است. انتقادات و ملاحظات در مورد نحوه رفتار و کنش افراد در مقابل حقوق، موجب پیدایش «تحلیل رفتاری حقوق و اقتصاد» شده است. «کوتر و یولن»<sup>۱</sup> تحقیقات وسیعی در این رابطه انجام داده‌اند. این ملاحظات اغلب در پی ترویج این فکر است که دکترین حقوقی به دنبال یافتن عوامل موثر در رفتار افراد باشد (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۰)

الگوی رفتار انسان معقول ابزار اصلی تحلیل نحوه تأثیر قواعد حقوقی بر رفتار اجتماعی، پیش‌بینی رفتار افراد در مقابل قواعد حقوقی در آینده و لذا ارزیابی میزان کارآیی آنها محسوب می‌شود. مطابق این الگو افراد با مطالعه و شناخت آثار و پی‌آمدهای هر امر و سود و زیانی که برایشان در بر دارد، تصمیم می‌گیرند و راهی را که از آن حداکثر بهره‌وری با حداقل هزینه حاصل می‌شود، بر می‌گزینند (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۱).

در نظام حقوقی ایران، مقرراتی در رابطه با عدم اطاله محاکمه به وسیله خدعه‌آمیز، انتقال دعاوی به طور صوری یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود، عدم خیانت به موکل و تبانی با طرف دعوا، رفتار احترام‌آمیز و رعایت نزاکت توسط وکلا وجود دارد، که به موجب مواد ۳۸، ۳۹ و ۴۱ قانون وکالت مصوب<sup>۲</sup> ۱۳۱۵ تخلف از آن مستوجب تعقیب و مجازات انتظامی و کیل

#### ۱. Cooter & Ulen

۲ مواد ۳۸، ۳۹ و ۴۱ به ترتیب مقرر می‌دارند: «پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لاقول دو نفر از اعضای هیات مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و صورت‌مجلس قسم و قسم‌نامه را امضا نماید؛ «انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است، ولی از کارهایی که کارآموز، خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق‌الزحمه از صاحب کار دریافت نماید؛ «در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و بر خلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه‌توزی و انتقام‌جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع

دادگستری است. با توجه به اهمیت رفتار طرفین دعوا، برخی اصول آیین دادرسی مدنی فراملی به رعایت رفتار صحیح و حسن نیت در دادرسی مدنی پرداخته است. به عنوان نمونه، اصل ۱۱ بیان می‌دارد: «هر یک از طرفین دعوا و وکلای آنان در مواجهه با دادگاه و دیگر طرفین باید رفتاری توأم با صداقت داشته باشند»، و نیز اصل ۱۷ مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند برای طرفین، وکلای آنان یا اشخاص ثالثی که در اجرای تکالیف مربوط به دادرسی قصور ورزیده یا امتناع می‌کنند ضمانت اجراهایی مقرر کند» و در اصل ۱۸ بیان شده: «در زمینه افشای دلایل یا دیگر اطلاعات، باید همواره تکلیف محرمانه بودن که بر طرفین و شخص ثالث تحمیل می‌شود و نیز مصونیت‌هایی که ایشان از آنها بهره‌مند هستند، علاوه بر دیگر قواعد حمایتی مشابه رعایت شود» (غمامی و محسنی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

به موجب ماده ۲۴ ق.آ.د.م فرانسه نیز: «طرفین تحت هر شرایطی ملزم به احترام شایسته به دادگستری هستند. دادرسی می‌تواند بنا بر شدت کوتاهی‌ها، حتی رأساً اوامری را صادر کرده، نوشته‌هایی را از بین برده یا آنها را توهین‌آمیز تلقی نموده و دستور چاپ و الصاق آرای خود را صادر نماید» (محسنی، ۱۳۹۵: ۸۴). هر چند دادخواهی حق افراد جامعه است با این حال، این به معنای آزادی کامل طرفین در نحوه اقامه دعوا و اداره آن نیست، بلکه اخلاق حسنه در کنار نظم عمومی و قواعد آمره از موانع آزادی کامل هستند (انصاری و دهقانی، ۱۳۹۶: ۱۹). از این رو، تبیین چگونگی تأثیر قواعد حقوقی به واسطه ایجاد انگیزه عمل یا ترک عمل بر رفتار افراد نشان می‌دهد؛ اختلاف اساسی بین فرض انسان عاقل و الگوی رفتاری او در بین حقوقدانان و تحلیلگران وجود دارد. در نگاه سنتی حقوق، افراد به این معنی عاقل فرض می‌شدند که براساس هنجارها و سنت‌های جامعه، آنچنان که در قواعد حقوقی منعکس شده، رفتار می‌کنند؛ ولی تحلیل اقتصادی حقوق، قواعد حقوقی را به عنوان انگیزه‌های رفتاری لحاظ می‌کند که افراد با لحاظ آنها در پی افزودن منافع خود هستند. در این نگرش، قواعد حقوقی همچون قیمت کالاها و سرویس لحاظ می‌شوند که افراد با توجه به عواقب افعال و آثار هر اقدام برای نیل به منافع خود محاسبه سود و زیان می‌کنند و اعمال خود را برای نیل به حداکثر منفعت بر آن اساس تنظیم می‌نمایند. از این دید حتی عمل خلاف مقررات قانونی در مواردی که منافع بیشتر افراد را تأمین کند، در چارچوب

---

از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسم‌نامه را امضا می‌نمایم. تبصره-در صورتی که وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالیترین دادگاه محل اقامت خود و دو نفر از وکلاء آن محل به دعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد؛ «پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیات مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.»

رفتار عقلایی قرار می‌گیرد. لذا تغییر قواعد حقوقی، موجب تغییر در محاسبه افراد خواهد شد و رفتار آنها براساس نتایج این محاسبه تغییر خواهد یافت (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۰).

### ۲-۳. مدیریت قواعد

عوامل گوناگونی در ساختمان قواعد حقوق موثر است و ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و مذهبی در آن سهم بسزائی دارند. همان‌گونه که هدف قانونگذار از وضع قواعد، تامین آسایش و نظم عمومی و اجرای عدالت است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸). مدیریت قواعد نیز از آن، به عنوان ملاک و میزان تشخیص صحیح یا ناصحیح بودن دعوا و اقدامات مرتبط با آن استفاده می‌کند. مقصود از مدیریت قواعد؛ شناخت، جمع‌آوری و طبقه‌بندی قوانین، آراء وحدت رویه و قواعد حقوقی حاکم بر موضوع دعوا و چگونگی استفاده از آنها در محل مورد کاربرد به منظور هماهنگی لازم و مناسب است.

شناسنامه‌دار بودن قواعد دادرسی، به معنی کدگذاری قوانین و هماهنگی و ارتباط‌گزینی قوانین با قوانین مشابه است. شناسنامه‌دار نمودن قوانین دارای دو اثر مهم؛ یعنی استفاده حداکثری از ظرفیت قانون و بهره‌مندی از آثار مثبت آن است. وجود قوانین شناسنامه‌دار، جایگاه درست قانون را معین می‌کند. بنابراین بسیاری از هزینه‌های مصرف‌کنندگان، برای یافتن قانون معتبر، استناد و یا مجادله بر سر قوانین مبهم، تفسیربردار و... کاهش پیدا می‌کند (حبیبی درگاه، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

برای آنکه بتوان رفتار اشخاص را در برابر قواعد حقوقی پیش‌بینی نمود، باید هدفی را که در انتخاب خود دنبال می‌کنند، مد نظر قرار داد. برآورد آثار عمل بستگی به هدفی دارد که دنبال می‌شود. مطالعات علمی نشان می‌دهد که در زمینه‌های بسیاری، افراد برای پیروی از هنجارهای اجتماعی، یا برای تحقق منافع و مصلحت عمومی، یا رعایت اصول عدالت و انصاف، عمل می‌کنند و تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که در تضاد با منافع شخصی آنهاست (لین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۵). حقوق تجارت، حقوق قراردادهای، حقوق مسئولیت مدنی و حقوق اموال از نمونه‌های بارزی هستند که معمولاً افراد در این زمینه‌ها برای کسب منفعت یا دوری از ضرر، عمل می‌کنند. به عنوان مثال در مورد حقوق مسئولیت مدنی، قواعد حقوقی در پی تعیین شرایط و آثار جبران خسارت است و نتیجه انتخاب و عمل افراد به صورت تکلیف به جبران خسارت یا گریز از این تکلیف خواهد بود. در این موارد انتظار می‌رود شناخت مسئولیت در نحوه رفتار افراد تأثیر گذارد و ایشان رفتار خود را با محاسبه سود و زیان فعل و مسئولیتی که از آن متوجه ایشان می‌شود، تنظیم کنند و در واقع شناخت مسئولیت به عنوان عامل بازدارنده عمل می‌کند (توماس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۴).

1. Lynn  
2. Thomas

مدیریت کارآیی قواعد دارای جنبه‌های گوناگونی است. یکی از این جنبه‌ها، حل و فصل دعوا بر اساس قواعد حقوقی قابل اعمال بر دعوا است. مطابق قسمت اول ماده ۱۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه «دادرس دعوا را براساس قواعد حقوقی قابل اعمال بر دعوا، حل و فصل می‌نماید»، باید توجه نمود که اگرچه ظاهر این ماده وجه خبری دارد، اما در واقع، این ماده در مقام بیان وجه امری است و دادرس باید دعوا را بر اساس مقررات قانونی حل و فصل نماید. به بیان دیگر، دادرس باید قاعده یا قواعد حقوقی متناسب را بر جهات موضوعی دعوا اعمال کند. مطابق قسمت دوم همین ماده «قاضی باید اعمال و وقایع حقوقی مورد اختلاف را به نحو دقیق توصیف نماید، بدون اینکه توصیف حقوقی طرفین دعوا وی را مقید نماید». بدین معنا که دادرس نه تنها باید توصیفی را که طرفین ارایه می‌دهند، بررسی نماید؛ بلکه مکلف به تصحیح آن نیز است. صرف نظر از بحث مربوط به محدوده توصیف دادرس که جز در موارد منصوص، در تغییر توصیف حقوقی یا مبنای حقوقی استفاده شده از سوی طرفین دعوا تکلیفی بر عهده ندارد (رأی وحدت رویه مورخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷؛ ریموند، ۱۳۹۵: ۱۱۱). تاثیر متقابل طرفین دعوا و دادرس در استفاده و اداره کارآیی قواعد، نتیجه و رأی حاصل از فرآیند دادرسی را مبتنی بر قواعد می‌سازد.

### بحث و نتیجه گیری

اطلاعات دادرسی مجموعه‌ای از داده‌های زمینه‌ای برای رسیدگی به دعاوی و اطلاعات ویژه هر دعوا محسوب می‌شود. اطلاعات زمینه‌ای دربردارنده داده‌های قانونی، قضایی و سازمانی همچون بخشنامه‌ها، مقررات و تولیدات در ساختار قضایی می‌گردد. به هر اندازه اطلاعات کامل، متقارن، در دسترس و به روز باشد از موجبات صدور تصمیمات واقعی، قابل اتکا و کارآ خواهد شد. در نظام دادرسی ترافعی، بار اثبات امور حکمی و اعمال قانون بر عهده دادرس است. بنابراین مسئولیت یافتن اطلاعات حکمی، ارزیابی آن‌ها به لحاظ ارزش و قدرت اثباتی، تشخیص اعتبار و ارتباط آن‌ها با اطلاعات موضوعی، جزو تکالیف دادرس است. توجه به اطلاعات عمومی در حوزه حقوقی (اعم از حوزه قوانین و مقررات و حوزه سیستم‌های قضایی) و غیر حقوقی از یک طرف و استخدام سیاست‌های پویاتر در رابطه با اطلاعات خصوصی دادرسی، باعث می‌شوند تا دادرسی مدنی از کارآمدی و بهینه‌گرایی برخوردار باشد. رواج آموزش حقوق در جامعه، توجه به پژوهش‌های بنیادین و کاربردی حقوق در دانشگاه‌ها، تخصصی شدن خدمات حقوقی در عین الزامی بودن آن، می‌تواند موثر در تبادل اطلاعات و واقعی نمودن آرای صادره قضایی باشد. اطلاع رسانی هوشمندانه، روشمند و کارآ، می‌تواند در حوزه اطلاعات عمومی، بخشی از دغدغه‌های روند دادرسی را پوشش دهد. همچنین کاربرد فنون تبادل لوایح، در کنار مجموعه عوامل سازنده فرهنگ حقوقی، می‌تواند علاوه بر آثار مثبت پیشگیرانه، در مرحله ترافع نیز به پذیرش نتیجه

دادرسی و کنترل ترافعات واقعی منجر شده و به منطقی شدن انتظار از سیستم قضایی در عین ایجاد فضای احساس امنیت قضایی بیانجامد. مدیریت دادرسی دارای جلوه‌هایی است که می‌توان آنها را در سه بعد مدیریت نوع اقدام، مدیریت رفتار و مدیریت قواعد تقسیم بندی نمود.

### پیشنهادها

- آموزش مسائل حقوقی از طریق مدارس و رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما؛
- تخصصی شدن خدمات قضایی در کنار بهره‌گیری از شیوه‌های هوشمند تبادل اطلاعات.



## منابع

- آذربایجان، علیرضا (۱۳۸۸). **مبانی ارزیابی دلیل در آیین دادرسی مدنی ایران و فراملی**. مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۳۹(۳): ۲۱-۱. قابل بازیابی از: [https://jqlq.ut.ac.ir/article\\_20108.html](https://jqlq.ut.ac.ir/article_20108.html)
- انصاری، علی، دهقانی، حسین (۱۳۹۶). **حسن نیت در دادرسی مدنی**. دو فصلنامه حقوق اداری. ۴(۱۲): ۱۳۳-۱۰۹. قابل بازیابی از: <http://qjal.smtc.ac.ir/article-1-165-fa.html>
- بابایی، ایرج (۱۳۸۵). **حقوق و اقتصاد و حقوق ایران (مبانی نظری و نحوه رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق و اعمال آن در حقوق ایران)**. گزارش علمی. دوره یک ساله دانشگاه بروکلین آمریکا.
- بادینی، حسن (۱۳۸۲). **مبانی فلسفی نگرش اقتصادی حقوق**. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۶۲(۵۱۲): ۹۱-۱۳۵. قابل بازیابی از: [https://jflps.ut.ac.ir/article\\_11138.html](https://jflps.ut.ac.ir/article_11138.html)
- بادینی، حسن (۱۳۹۴). **فلسفه مسئولیت مدنی**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، حسن (۱۳۹۶). **مقاله کارآیی اقتصادی در حقوق خصوصی؛ نظریه و مصادیق**. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی. ۴۷(۱): ۳۵-۱۹. قابل بازیابی از: [https://jqlq.ut.ac.ir/article\\_61319.html](https://jqlq.ut.ac.ir/article_61319.html)
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). **ترمینولوژی حقوق**. تهران: گنج دانش.
- حاجی محمدی، اصغر؛ افتخار جهرمی، گودرز؛ جنیدی، لعیا؛ شهلا، مهدی. (۱۳۹۷). **اصل بی طرفی دادرسی و قواعد ناشی از آن**. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۴(۳۵): ۴۸-۳۳. قابل بازیابی از: [https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_12657.html](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_12657.html)
- حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۲). **حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)**. تهران: انتشارات جاودانه.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۹). **مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد**. تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). **فرهنگ دهخدا**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴). **آیین دادرسی مدنی**. تهران: نشر میزان.
- غمامی، مجید؛ اشرفی آرانی، مجتبی (۱۳۸۹). **تفکیک امر حکمی از امر موضوعی در دادرسی مدنی تبیین نظریه عمومی**. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق). ۴۰(۲): ۲۹۴-۲۷۵. قابل بازیابی از: [https://journals.ut.ac.ir/article\\_21616.html](https://journals.ut.ac.ir/article_21616.html)
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۹۰). **اصول آیین دادرسی مدنی فراملی**. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). **مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران**. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). اثبات و دلیل اثبات: قواعد عمومی اثبات - اقرار و سند. تهران: میزان.

- مارتین، ریموند (۱۳۹۵). اصول راهبردی دادرسی مدنی. ترجمه اسماعیل شایگان. تهران: نشر میزان.

- مبینی مجد، خسرو؛ حبیبی درگاه، بهنام؛ بادینی، حسن؛ پهلوانزاده، عباس (۱۳۹۹). مطالعه تاریخی مدیریت دعوا توسط قاضی و قلمرو دخالت آن در دادرسی مدنی ایران. تاریخ پزشکی. ۱۲(۱): ۲۰۸-۱۹۵. قابل بازیابی از:

<https://journals.sbmu.ac.ir/mh/article/view/33596>

- محسنی، حسن (۱۳۹۷). اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری در چهارچوب اصول دادرسی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات اشجع.

- مهدی، صدیقه و کریمی، قوام (۱۳۹۴). بررسی نقش دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در فرایند دادرسی عادلانه. شیراز: کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/508039>

- نهرینی، فریدون (۱۳۹۶). آیین دادرسی مدنی. انتشارات گنج دانش. جلد اول.

- محسنی، حسن (۱۳۹۵). قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- متین دفتری، احمد (۱۳۹۸). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات مجد.

- Baish, A (2012). **Six Factors to Consider for Successful Litigation Strategy**. Retrieved from: <https://www.americanbar.org>

- Holden, O (2011) **Culture, Expertise and Litigation: Pathern, Conflicts, Narratives**. Routledge Publication. United States of America.

- Jackson, R (2012). **The Role of Technology in Litigation**. International Conference on Electronic Litigation. Academy Publishing.

- Jackson, S (2007). **New Challenges for Litigation in the Electronic Age**. Deakin Law Review. 12(1): 1-8. Retrieved from:

[https://www.researchgate.net/publication/27471123\\_New\\_Challenges\\_for\\_Litigation\\_in\\_the\\_Electronic\\_Age](https://www.researchgate.net/publication/27471123_New_Challenges_for_Litigation_in_the_Electronic_Age)

- Lynn A (2006). **Stout, social norms and other-regarding preferences**, UCLA School of Law, Law & Economics Research Paper Series Research Paper. Retrieved from: [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=885580](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=885580)